

”

از تجربه‌اش
برای راه‌اندازی
کمپرسوری
گفت که در
اوج تحریم‌ها
شرکت زیمنس
رهاش کرده
بود و رفته بود
و این‌ها یک
هفته - در اوج
گرمای تابستان
عسلویه -
شبانه‌روزی
پایش ایستادند
تا کشور با
بحران بنزین
روبرو نشود

ما هم یکی از فلانی‌ها را در نظر گرفته بودیم ولی دو روز قبل از مراسم، مهندس نجات بخش هماهنگ شد. مهندس سخنران خوبی نبود؛ یعنی از هیچ‌کدام از تکنیک‌های سخنرانی و خطابه استفاده نمی‌کرد. با یک ریتم ساده و صدایی پایین حرف می‌زد. توی دلم گفتم با این روند، کم‌کم همه بلند می‌شوند و می‌روند ولی تا آخر جلسه جز تعداد محدودی از ۱۵۰-۱۶۰ نفری که در قسمت مردانه بودند، کسی بلند نشد.

نه تنها نرفتند که خیلی هایشان، بعد از پایان جلسه دور مهندس را گرفتند و توی یکی از غرفه‌های نزدیک شبستان تا یک ساعت بعد از پایان جلسه باهم حرف می‌زدند.

حین سخنرانی چند نفر را دیدم که حالت چهارزانویشان را تغییر دادند و روی کنده زانو نشستند. انگار داشتند سخنرانی اخلاقی گوش می‌کردند. خودم هم نزدیک بود اشکم جاری شود. نه از شنیدن سختی‌هایی که کشیده بودند که از معنویت جاری در حرف‌هایش. مهندس پشت سر هم آیه می‌خواند و تطبیق می‌داد. توی دلم گفتم من این آیه‌ها را صدفبار خوانده‌ام؛ چرا چنین برداشتی نداشتم؟ خودش بعداً گفت که بعضی مفاهیم قرآن را فقط انسان مجاهد درصحنه درک می‌کند.

درباره‌اش می‌شود تا صبح حرف زد. می‌شود از برادر روحانی‌اش هم

تابستان عسلویه- شبانه‌روزی
پایش ایستادند تا کشور با بحران
بنزین روبرو نشود.

حرف‌هایش که تمام شد،
دانش‌آموزها دوروبرش را گرفته
بودند و سؤال می‌پرسیدند.

بلافاصله با بچه‌های کووار صحبت
کردم تا آنجا هم سخنرانی کند. تا شب
کووار بود و بعد راهی عسلویه شد.

← روایت سوم

وقتی برای سخنرانی عمومی اعتکاف
از یکی از دوستان سؤال کردم گزینه
اولش مهندس نجات بخش بود.
گفت فلانی و فلانی و فلانی هم
هستند ولی مهندس نجات بخش
برای محیط اعتکاف از همه بهتر
است چون معنوی‌تر از بقیه صحبت
می‌کند.

”

مهندس پشت
سر هم آیه
می‌خواند و
تطبیق می‌داد.
توی دلم
گفتم من این
آیه‌ها را صدفبار
خوانده‌ام؛ چرا
چنین برداشتی
نداشتم؟
خودش بعداً
گفت که
بعضی مفاهیم
قرآن را فقط
انسان مجاهد
درصحنه درک
می‌کند

